



حیات پرپرکت امام رضا (ع)

خراسان تاریخی پر فراز و فرود دارد که شاید بتوان مهمترین آن را حضور هشتمین امام شیعیان، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) دانست.

خبرگزاری مهر- خراسان تاریخی پر فراز و فرود دارد که شاید بتوان مهمترین آن را حضور هشتمین امام شیعیان، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) دانست.

حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در روز 11 ذیقعه سال 148 ه. ق دیده به جهان گشود. ولادت ایشان بعد از شهادت امام صادق (ع) واقع شد و یکی از آرزوهای حضرت صادق (ع) این بود که زنده باشد و نوه خویش را زیارت کنند که متأسفانه محقق نشد.

کنیه امام (ع) ابوالحسن و لقبشان رضا می‌باشد در خصوص لقب حضرت عده ای معتقدند اعطای این لقب به ایشان از سوی مامون و به دلیل پذیرفتن ولایتعهدی صورت گرفته، اما درنقل قولی از امام جواد (ع) کذب بودن این ادعا به روشنی مشخص می‌شود. امام جواد (ع) پیرامون این موضوع فرموده اند: "کذبوا والله وفجروا بل الله تبارک وتعالی سماه بالرضا علیه السلام لانه کان رضی الله عز وجل فی سمائه ورضی لرسوله والامه بعده صلوات الله علیهم فی ارضه" به خدا سوگند که دروغ می‌گویند زیرا که خداوند تبارک وتعالی او را رضا نام گذارد برای آنکه پسندیده و مورد رضای خدا در آسمان بوده و رسول الله و امامان علیهم السلام از او راضی بودند و او را برای امامت پسندیدند.

مدت امامت امام رضا (ع) 20 سال بود که 10 سال آن معاصر با خلافت هارون الرشید 5 سال معاصر با خلافت امین و 5 سال آخر معاصر با خلافت مامون می‌باشد.

در 10 سال اول امامت حضرت که معاصر با هارون الرشید بود برای از میان برداشتن ایشان نقشه هایی بسیار کشید و سعی در شهادت ایشان داشت، اما به دلایلی موفق به انجام این امر نگردید و با امام (ع) مدارا کرد امام نیز در این دوره توانستند قدری به تقویت مکتب مدینه بپردازند.

پس از درگذشت هارون الرشید درگیری بین امین و مامون برای تکیه زدن بر اریکه قدرت و انتخاب شدن یکی از آن دو برای جانشینی هارون باعث گردید تا آنها فرصتی برای آزار علویان به طور عام و امام رضا (ع) به طرز خاص نداشته باشند به همین جهت می‌توان گفت سال های (198-193 ه) ایام آزادی امام و فرصت مناسب برای بسط و گسترش فعالیت های فرهنگی بوده که این مهم در قالب بحث های کلامی و مناظرات فلسفی به انجام رسیده است.

پس از غلبه مامون بر امین، مامون بر سریر خلافت قرار می‌گیرد و از این پس صفحه ای جدید در حیات زندگانی امام رضا (ع) گشوده می‌شود. مامون برای بهره برداری های سیاسی و پایان دادن به قیام های علویان که در خراسان شکل گرفته بود بر آن شد تا امام رضا (ع) را به مرو بیاورد و چنان وانمود کند که دوستدار علویان و امام می‌باشد.

امام رضا (ع) در ابتدا حاضر به قبول دعوت مامون نمی‌گردد، ولی به دلیل اصرارهای پیاپی مامون این دعوت را پذیرفت. شاید دلیل اصلی حضرت برای قبول چنین خواسته‌ای این باشد که ایشان نمی‌خواستند به شیعیان و شبکه گسترده معارفی که ائمه پیشین گسترش داده بودند آسیب برسد و وضعیت وخیم تر گردد.

سرانجام مامون برای عملی کردن هدف خود چند تن از ماموران مخصوص خود را به خدمت امام رضا (ع) فرستاد تا آن حضرت را به اجبار به سوی خراسان روانه کنند و تاکید کرد تا از مسیری حرکت کنند که شیعیان کمتری در آن جا حضور دارند مسیرهایی که امام (ع) را از آن عبور دادند عبارتند از کوفه، جیل، کرمانشاه و قم.

وقتی امام (ع) به حضور مامون رسید به او فرمودند: پذیرفتن ولایتعهدی برای من منوط بر این است که آمر و ناهی و مفتی و قاضی نباشم و کسی را عزل و نصب نکنم و چیزی را تبدیل و تغییر ندهم که مامون نیز تمام شرایط فوق را پذیرفت.

مامون در درجه ی نخست از متکلمان گروه های مختلف و گمراه افرادی را دعوت کرده و حریص بر آن بود تا آنها بتوانند بر امام غلبه کنند. دلایل عدیده ای را می‌توان برای انجام این امر توسط مامون ذکر کرد اما مهمترین آنها این موارد می‌باشد.

- انحصار مقام امام (ع) تنها در بعد علمی و کنار زدن ایشان از مسائل سیاسی

- ایجاد سرگرمی برای توده ی افراد و گذاردن پوششی بر نقاط ضعف حکومت
- رشک و حسد بر حضرت و سعی در جهت ضعیف نشان دادن بنیه ی علمی حضرت

امام رضا (ع) مناظراتی متعدد انجام دادند که از بین آنها 7 مناظره مهمتر می باشد مناظره با جاثلیق، مناظره با راس الجالوت، با هربز اکبر، مناظره با عمران صابی، مناظره با سلیمان مروزی و علی بن مهم و مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره.

امام (ع) در تمام این مناظرات با کسی به بحث نشست مگر آنکه آن فرد در پایان به فضیلت امام اعتراف کرد و به استدلال امام علیهم السلام سر فرود آورد.

امام رضا (ع) مانند ائمه ی دیگر با بیان مطالب پیرامون مسائل دینی و فقهی به تربیت شاگردان متعدد پرداختند که از بین آنان حسن بن علی بن زبیا و شاء، حسن بن علی بن فصال، حسن بن محبوب، ذکریا بن آدم و زیان بن صلت از همه مشهورتر می باشند.

امام رضا (ع) هم چنین کتابی دارند با عنوان رسائل جوامع الشریعه که به خواست مامون نوشته شد، به این ترتیب که یک بار مامون شخصی به نام فضل بن سهل ذالریاستین را نزد امام رضا (ع) فرستاد و گفت من دوست دارم شما که حجت خدا بر خلق هستید و معدن علم الهی رساله ای درباره حلال و حرام و واجب و مستحب برای من تهیه فرمایید.

امام رضا (ع) پذیرفتند و فرمودند کاغذ و قلم بیاورید سپس به سهل اشاره کردند که بنویس (گزیده آنچه امام (ع) فرمودند به این شرح است): ما را شهادت به وحدانیت پروردگار و گفتن لا اله الا الله کافی است او یکتای بی نیاز است؛ قادری که عجز ندارد و عادل که ستم نمی کند. آنچه از پروردگار به حضرت محمد ص (ص) نازل شد حق و روشن است و ما کتاب او را تصدیق می کنیم برای هیچ مخلوقی آوردن قرآن ممکن نیست. امامان علیهم السلام تعبیر کنندگان قرآنند و شرح دهندگان بیانات پیامبر.

ایمان یعنی انجام واجبات و پرهیز از محرمات؛ ایمان یعنی معرفت به قلب و اقرار به زبان و عمل به اعضا و جوارح و پرهیز از گناهان کبیره مانند فرار از جبهه جهاد، رباخواری و کم فروشی، قسم دروغ و ندادن حق کفر و کبر، اسراف و تبذیر و اصرار بر گناهان کوچک، و این اصول دین و دینداری است.